

فیس‌بوک در ایران: ابزار فعالیت سیاسی یا معاشرت مجازی؟
آیا به برابری زن و مرد معتقدید؟
دیوان عالی هند ترانس سکشوال‌ها را به عنوان جنیست سوم به رسمیت شناخت
زنان ایران در راهی تازه
محرومیت بازیکنان دوجنسیتی از فوتبال و فوتسال زنان ایران
دگرباشان ایران از سوی حکومت و جامعه در تبعیض‌اند
چرا تجاوز در ایران مثل هند حساسیت عمومی را بر نمی‌انگیزد
«تفاوت‌های مغزی «مردان مریخی» و «زنان ونوسی»
هدف از طرح آموزش جداگانه در مدارس بر اساس جنسیت چیست؟
«تهران، شهر عشاق»
زنانه‌نویسی و زنانه‌تر شدن ادبیات

فیس‌بوک در ایران: ابزار فعالیت سیاسی یا معاشرت مجازی؟



وبسایت «پژوهش رسانه در ایران» وابسته به «مرکز مطالعات ارتباطات جهانی»

در دانشکده آن‌برگ از دانشگاه پنسیلوانیای آمریکا اواسط ماه گذشته میلادی، مارس، گزارشی بر اساس نظرسنجی آن‌لاین از کاربران فیس‌بوک در ایران منتشر کرد که نشان می‌دهد این شبکه اجتماعی در ایران بیشتر ابزار معاشرت است.

این گزارش تازه از کاربرد فیس‌بوک در ایران بر اساس نظرسنجی از ۱۸۸ نفر از کاربران این شبکه اجتماعی در میان دو ماه اکتبر و نوامبر سال ۲۰۱۲ نوشته شده است.

از این ۱۸۸ کاربر ایرانی فیس‌بوک ۸۵ درصد تا زمان انجام نظرسنجی بیش از دو سال سابقه استفاده از این وبسایت را داشته‌اند، یعنی در زمان اعتراضات و ناآرامی‌های پس از انتخابات سال ۸۸ نیز در این وبسایت فعال بوده‌اند.

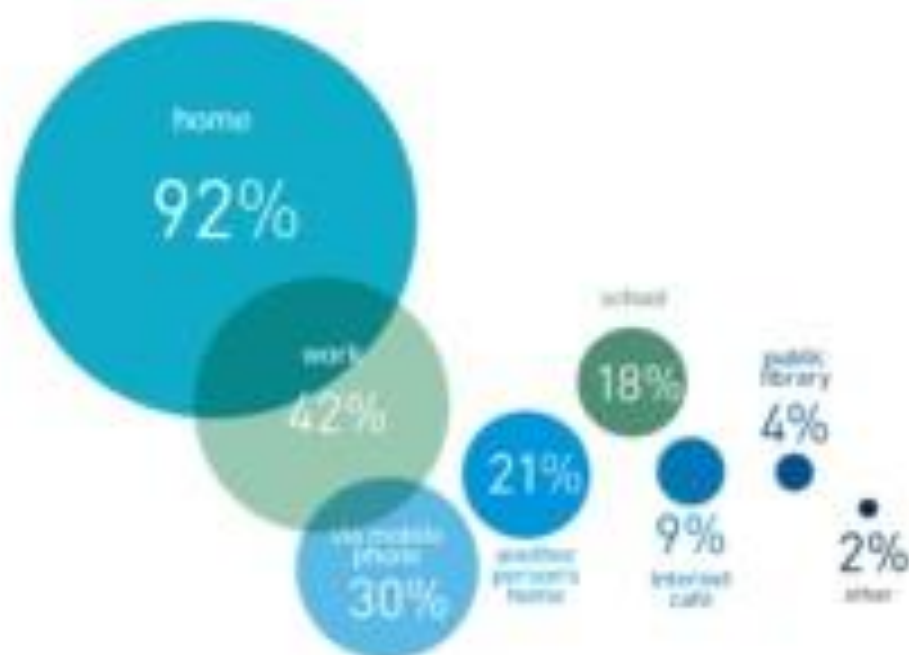
دوره زمانی پس از انتخابات سال ۸۸ در ایران از این جهت در این نظرسنجی و گزارش متعاقب آن مورد تاکید قرار گرفته است که در این مدت زمانی بازار اینترنت و شبکه‌های اجتماعی در ایران به عنوان ابزار برقراری ارتباط میان معترضان و انتشار اخباری که در داخل کشور سانسور می‌شد داغ شد.

با این حال شاید بتوان گفت که قابل توجه‌ترین یا مهم‌ترین نتیجه‌ای که می‌توان بر اساس داده‌های این نظرسنجی درباره کاربران ایرانی فیس‌بوک گرفت این است که فیس‌بوک در ایران بیش از هر چیز حکم ابزار معاشرت را دارد.

در این باره در گزارش مربوطه آمده است: «گرچه ایرانی‌ها برای فعالیت اجتماعی و سیاسی هم از فیس‌بوک استفاده می‌کنند، کاربرد عمده این وبسایت در ایران [معشرت مجازی است].» این گزارش در ادامه بیان می‌کند که [فیس‌بوک

«فضای مجازی معاشرت و اختلاط به‌ویژه با جنس مخالف است».

بر اساس آماری که از این نظرسنجی به دست آمده است، ۶۰ درصد برای ارتباط با دوستان و اعضای خانواده و اقوام از فیس‌بوک استفاده می‌کنند و تنها ۱۶ درصد برای دسترسی به اخبار و اطلاعات به سراغ فیس‌بوک می‌روند.



نزدیک به نیمی از کاربران ایرانی فیس‌بوک در محل کار خود این وبسایت را چک می‌کنند

با این حال شرکت‌کنندگان در این نظرسنجی گفته‌اند که یکی از دلایل اصلی مراجعه‌شان به فیس‌بوک دسترسی پیدا کردن به اخبار و اطلاعاتی است که از

طریق کانال‌های رسمی در ایران نمی‌توان به آنها دسترسی داشت.

به عنوان یک نکته جالب توجه دیگر می‌توان به این اشاره کرد که همین پاسخ‌دهندگان گفته‌اند که «کمتر از همه» به دنبال کردن و به اشتراک گذاشتن مطالب مذهبی «علاقه دارند».

نتایج حاصل از این نظرسنجی همچنین حاکی از این است که زنان ایرانی مشتری فیس‌بوک بیشتر از مردان مطالب مربوط به «مسائل فرهنگی، اخبار و رخدادهای داخلی، مسائل اجتماعی و مدنی، مسائل مربوط به جنسیت و محیط زیست» را به اشتراک می‌گذارند.

در مقابل مردان ایرانی مشتری فیس‌بوک بیشتر به اشتراک مطالب اقتصادی و ورزشی و علمی تمایل دارند.

با این حال نکته‌ای که بیش از همه در مقایسه مردان و زنان ایرانی کاربر فیس‌بوک جلب نظر می‌کند این است که زنان «کمتر از» مردان نگران عکس گذاشتن در فیس‌بوک از «فعالیت‌های غیرقانونی مثل مصرف الکل یا رقص» هستند.

در میان همین پاسخ‌دهندگان به نظرسنجی، جوان‌ترها بیشتر ترجیح می‌دهند در فیس‌بوک آرا و نظرات شخصی خود را به اشتراک بگذارند و نسبت به آنها که سن و سالی از شان گذشته است کمتر به دنبال کردن و به اشتراک گذاشتن مطالب سیاسی علاقه دارند.

در گزارش حاضر همچنین به «نگرانی عمده» کاربران ایرانی فیس‌بوک از مسئله حفظ امنیت و حریم خصوصی در این شبکه اجتماعی اشاره شده و آمده

است که در محیط این وبسایت ایرانی‌ها «به طور کلی زیاد به دیگران اعتماد ندارند».

بر همین منوال، اکثر پاسخ‌دهندگان به نظرسنجی گفته‌اند که به نظرشان استفاده از «فیس‌بوک در ایران» می‌تواند خطراتی برای امنیت‌شان داشته باشد، با این حال همین اکثریت پاسخ‌دهندگان بخش قابل توجهی از زمان خود در روز را صرف فیس‌بوک‌گردی می‌کنند.

از این پاسخ‌دهندگان، نزدیک به ۶۰ درصد چند بار در روز به فیس‌بوک سر می‌زنند، ۲۷ درصد یک بار در روز، شش درصد سه تا پنج روز در هفته، چهار درصد یک تا دو روز در هفته، و دو درصد هر چند هفته یک بار به فیس‌بوک سر می‌زنند.

از میان این افراد، ۳۲ درصد بیش از ۱۰ ساعت در هفته در فیس‌بوک وقت می‌گذرانند، ۱۹ درصد پنج تا ۱۰ ساعت در هفته، ۱۸ درصد یک تا سه ساعت در هفته، و ۱۵ درصد سه تا پنج ساعت.

از شرکت‌کنندگان در نظرسنجی «پژوهش رسانه در ایران» که نزدیک به ۶۰ درصدشان مرد بودند ۹۱ درصد زیر ۴۰ سال و ۹ درصد بالای ۴۰ سال سن داشتند و بخش اعظم آنها یعنی ۳۸ درصد دست‌کم مدرک لیسانس داشتند.



صفحه محمدجواد ظریف، وزیر خارجه ایران، در فیس‌بوک

شبکه اجتماعی فیس‌بوک از سال ۱۳۸۸ و در آستانه انتخاباتی که به اعتراضات دامنه‌دار انجامید، جنبش سبز را به وجود آورد و میرحسین موسوی و مهدی کروبی، دو نامزد معترض انتخابات، را به حصری فرستاد که که هنوز پایان نیافته است در ایران رسماً فیلتر و تعطیل بوده است.

با این حال فیلتر شدن این وبسایت در چند سال گذشته هرگز باعث نشده که از خاطر حذف شده یا به فراموشی سپرده شود. رفتار و گفتار مقامات جمهوری اسلامی هم در این میان بیشتر باعث سردرگمی مردم ایران بوده است تا حلال مشکلات.

از یک سو عبدالصمد خرم‌آبادی، رئیس کارگروه تعیین مصادیق محتوای مجرمانه، فیس‌بوک را «دشمن نظام جمهوری اسلامی»، «سایتی صهیونیستی و

جاسوسی»

«و

سایتی دارای محتوای مستهجن و عامل روابط نامشروع» دانسته، و از سوی دیگر وزیر ارشاد در دولت حسن روحانی معتقد است که این وبسایت باید رفع فیلتر شود.

در همین حال برخی از مقامات جمهوری اسلامی از جمله محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه ایران، در این رسانه فعالیت می‌کنند و علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی، نیز در فیس‌بوک حضور دارد.

آیا به برابری زن و مرد معتقدید؟



با فرارسیدن روز مادر و زن در ایران، مقامات جمهوری اسلامی در سخنرانی‌های خود دیدگاه‌هایی گاه متناقض در ارتباط با موضوع «برابری زن و مرد» بیان کرده‌اند.

در این رابطه آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی، برابری جنسی زن و مرد را «غلط» و پدیده‌ای غربی نامید، اما یک روز پس از او، حسن روحانی، رئیس‌جمهوری، با بیان این‌که «نه مرد جنس اول و نه زن جنس دوم» است تاکید کرد

«که» «نه زن برتر است و نه مرد بالاتر»

رهبر جمهوری اسلامی همچنین تأکید کرده‌است که «هرکس اگر مسئله زن را جدا از مسئله خانواده مورد بررسی قرار دهد، در فهم مسئله و تشخیص علاج آن، دچار اختلال می‌شود»

آیا به نظر شما، در میان دو جنسیت موجود، آیا باید یکی را برتر از دیگری شمرد؟

و این‌که آیا برابری زن و مرد، در سطحی که بسیاری از کشورهای غربی به آن دست یافته‌اند، می‌تواند الگویی برای حرکت جامعه ایران به آن سمت باشد؟

دیوان عالی هند ترانس سکشوال ها را به عنوان جنیست سوم به رسمیت شناخت

دیوان عالی هند وجود جنسیت سوم یا ترانس سکشوال ها را به رسمیت شناخت

در حکم دیوان عالی هند آمده است که این بخشی از حقوق بشر است و افراد دارای جنیست سوم، علاوه بر مونث و مذکر، می‌توانند هویت جنسی خود را در اسناد رسمی دولتی ذکر کنند.

دیوان عالی هند به دولت فدرال و دولت های ایالتی هند دستور داده است که افراد دارای جنسیت سوم از حقوق برابر با سایر شهروندان برخوردار شوند و حق دارند از امکانات رفاهی و اجتماعی مانند برنامه های آموزشی، بهداشتی و اشتغال استفاده کنند.

به گزارش خبرگزاری ها، شمار جنسیت سومی ها در هند بین یک و نیم تا ۳ میلیون نفر تخمین زده می شود.

زنان ایران در راهی تازه

.



علی اصغر رمضانپور

۱۷/۱۲/۱۳۹۲

تحولات شگرفی که در زندگی فردی و اجتماعی زنان ایران در دهه‌های اخیر رخ داده است، اغلب در سایه توجه به تبعیض گسترده علیه زنان نادیده گرفته شده است. شواهد نشان می‌دهد که زنان در ایران از جنبه‌های مختلف فرهنگی، مدنی و سیاسی در بیش از سه دهه اخیر و به ویژه در نزدیک به ۱۰ سال گذشته تحت تبعیض‌های گسترده و مورد اعمال خشونت خانگی و اجتماعی بوده‌اند.

اما این واقعیت نمی‌تواند توجه را از تغییری برگیرد که در همین مدت در زندگی فردی و اجتماعی زنان رخ داده است. این تغییر عمدتاً به دگرگونی موقعیت و کارکرد فرهنگی و مدنی و سیاسی زنان منجر شده است. تغییری که به طور خلاصه زنان را از موقعیتی فرعی، تحت انقیاد و پیرو، به وضعیتی تازه و رو به تحول یعنی موقعیتی اصلی، چالشگر و پیشگام رسانده است. این تحول علاوه بر اینکه تحت تأثیر تغییرات فرهنگی و اجتماعی و سیاسی و رسانه‌ای در ایران رخ داده، نتیجه سال‌ها مبارزه گسترده زنان ایرانی برای به دست آوردن موقعیت و حقوق برابر در زمینه‌های گوناگون است.

نکته مهم درباره تحول در جامعه زنان ایران این است که اغلب پیشرفت‌های زنان در مخالفت با سیاست‌های غالب دولت، به ویژه در دهه اخیر رخ داده است. به تعبیر دیگر، عنصر تغییرات اجتماعی و فرهنگی و خواست عمومی زنان مؤثرتر از سیاست‌های دولتی بوده که به معنای مقاومت زنان در برابر سیاست‌های دولت است. مقاومت عمومی جامعه زنان در برابر سیاست‌های دولت نه تنها بر تحول جامعه زنان تأثیر نهاده، بلکه به طور کلی فضای سیاسی و فرهنگی و اجتماعی کل جامعه ایران، و به طور غیرمستقیم فرهنگ جامعه مردان را تحت تأثیر قرار داده است.

اما همزمان، وجود سیاست‌های محدودکننده زنان به بحران‌هایی در میان جامعه زنان ایران منجر شده است که اهمیت مقابله با نابرابری و تبعیض علیه زنان در

ایران را افزایش داده است. این بحران را می‌توان در مواردی نظیر افزایش آسیب‌های اجتماعی نظیر اعتیاد و فحشا در میان زنان از دید اجتماعی و مقاومت در برابر وارد شدن زنان به بازار کار و در نتیجه افزایش بیکاری آنها - به ویژه زنان تحصیل‌کرده - از منظر اقتصادی، مشاهده کرد.

اهمیت دوگانگی میان سیاست‌های دولتی در ایران، به ویژه سیاست‌هایی که از سوی علی‌خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی حمایت می‌شود، از یک سو و مقاومت و خواست عمومی زنان و به ویژه زنان تحصیل‌کرده جوامع شهری تا حدی است که می‌توان گفت ایران را بر سر دو راهی انقلاب یا بحران جنسیتی و جنسی قرار داده است.

به این معنا که اگر مدیران و برنامه‌ریزان و فعالان مدنی بتوانند از این ظرفیت‌ها و امکانات بهره بگیرند، می‌توان با انقلابی در مناسبات اجتماعی و سیاسی روبه‌رو بود و اگر دولت به سیاست‌های مقابله‌ای یا نابرابر علیه زنان در مقابل این تحولات ادامه دهد، دامنه‌های بحران افزایش می‌یابد.

این بحران یا انقلاب، جنسیتی است به این معنا که اهمیت رقابت میان زنان و مردان بر سر به دست آوردن موقعیت‌های فرهنگی و اجتماعی و سیاسی و بازتعریف مفهوم جنسیت و رابطه میان زنان و مردان در رفتار اجتماعی در ایران افزایش می‌یابد. همچنین این بحران یا انقلاب جنسی است به این معنا که افزایش امکان ابراز جنسی در میان زنان، نوع نگاه به روابط جنسی به طور خاص و نوع نگاه به مفاهیمی مانند خانواده، فردگرایی و فرایند هویت‌یابی جنسی در میان دختران و پسران را دستخوش دگرگونی جدی کرده و خواهد کرد.

یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در تغییر موقعیت زنان، تغییرات جمعیتی در ایران است: کاهش تعداد خانوار یا به تعبیر فنی، بعد خانوار در ایران به

آزادسازی بیشتر زنان از پرداختن به امور خانه منجر شده است. افزون بر قوانین عمومی ناظر بر تحولات جمعیتی که به تغییر جامعه ایران از جامعه‌ای جوان به سوی جامعه‌ای مسن‌تر منجر شده، میانگین سن ازدواج زنان افزایش چشمگیر یافته است.

شهلا کاظمی، جمعیت‌شناس برجسته ایرانی، بر اساس آمارهای رسمی در فاصله سال‌های ۷۵ تا ۸۵ در ایران نشان داده است که افزایش سن ازدواج در میان زنان از اختلاف سنی زوجین کاسته و الگوی ازدواج و خانواده را در ایران به سود آزادسازی زنان و کاهش باروری تغییر داده است. بنا بر آمارها از هر سه ازدواج در تهران و کرج (استان البرز) یکی به طلاق منجر می‌شود. به عنوان یک عامل فرهنگی تشدیدکننده این وضعیت، میزان پیشگیری از بارداری افزایش یافته است. بنا بر مطالعه **مریم شاهچراغیان**، میزان به‌کارگیری روش‌های پیشگیری از حاملگی، که در سال ۱۳۵۵ و نقطه‌ی اوج برنامه‌ی تنظیم خانواده قبل از انقلاب به ۳۶ درصد زنان رسیده بود، تا ۱۳۷۸ به حدود دو برابر، یعنی بیش از ۷۰

درصد، افزایش یافت. این میزان در دهه هشتاد هم افزایش یافته است.

تغییر الگوی ازدواج و افزایش طلاق به افزایش آزادی جنسی منجر شده و از میزان الگوهای سنتی همسریابی کاسته شده و به تعبیر خانم کاظمی روابط رسمی جای روابط چهره به چهره را گرفته و بیشتر آشنایی‌ها در پارک‌ها، محیط کار و دانشگاه صورت می‌گیرد. در این نوع از ازدواج‌ها که الگوهای سنتی حفظ اجباری ازدواج وجود ندارد، میزان طلاق افزایش یافته و میزان ازدواج‌های متعدد و کوتاه‌مدت برای زنان افزایش یافته است.

در نتیجه تحولات جمعیتی و به ویژه افزایش چشمگیر شهرنشینی و تغییر در الگوی زندگی روستایی که نمود بارز آن را می‌توان در افزایش مشاغل خدماتی

در برابر مشاغل کشاورزی در روستاها دید، میزان حضور در سطوح آموزشی از دبستان تا دانشگاه به نفع زنان تغییر کرده است. میزان حضور زنان در کنکورهای گزینش دانشگاهی به ۶۰ درصد رسیده و اکنون بیش از نیمی از دانشجویان تحصیلات عالی دختران هستند.

چندی پیش **مرضیه دستجردی، وزیر بهداشت دولت محمود احمدی‌نژاد،** هشدار داد که اگر فکری برای این وضعیت نشود میزان زنان حاضر در دانشگاه‌ها به ۷۰ درصد می‌رسد. نسبت حضور زنان در دانشگاه‌ها نسبت به سال ۵۷ در همه زمینه‌ها حداقل دو برابر شده است.

هشدار خانم دستجردی به این دلیل است که با وجود سیاست‌هایی که از سوی دولت برای محدود کردن حضور زنان در آموزش عالی و محیط کار و افزایش باروری و محدود کردن زنان در خانواده صورت گرفته، این روند تحولات همچنان در سال‌های ۹۰ و ۹۱ ادامه داشته است.

از نظر فرهنگی میزان مشارکت زنان در امور فرهنگی، به عنوان مصرف‌کننده و نیز به عنوان تولیدکننده (روزنامه‌نگار، شاعر، نویسنده، پژوهشگر، فعال محیط زیست، ورزشکار و هنرمند) افزایش سریع داشته است. و این مشارکت به افزایش سهم زنان در فعالیت‌های مدنی و سیاسی منجر شده است. افزون بر افزایش این سهم در محیط‌های روشنفکری، مشارکت زنان در فعالیت‌های اجتماعی افزایش یافته است. **محمد هادی ایازی، معاون اجتماعی شهرداری تهران،** اعلام کرده بین ۶۰

درصد فعالان در سراهای محله در شهر تهران را زنان تشکیل می‌دهند.

از نظر سیاسی افزون بر اهمیت رأی زنان در همه انتخابات‌ها، تعداد چهره‌های شناخته شده زنان در میان نخبگان فعال حوزه‌های مدنی و سیاسی افزایش چشمگیری داشته است. این در حالی است که به طور پیوسته از سوی حکومت علیه بیشتر فعالان سیاسی و مدنی زن به عنوان فمنیست تبلیغ و اقدام شده است. فعالین حقوق زن در این سال‌ها فعال‌ترین بخش فعالیت مدنی در ایران را بر عهده داشته‌اند و همزمان برای احقاق برابری زنان و تحقق حقوق شهروندی و حقوق بشر فعالیت کرده‌اند و سهم مهمی در پیشبرد باورها و نگرش‌های پیشرو در جامعه ایران بر عهده داشته‌اند.

این تحولات نگاه غالب بر جامعه زنان ایران را دگرگون کرده و به افزایش همبستگی‌های فکری و عملی در میان زنان انجامیده است. نشانه روشن این پدیده رشد و فعالیت سازمان‌ها و انجمن‌های مدنی و حرفه‌ای در میان زنان است.

با وجود همه این تحولات بازار و محیط کسب و کار در ایران همچنان مردانه مانده است. میزان بیکاری زنان نسبت به مردان به مراتب بالاتر است و میزان مشارکت اقتصادی زنان رو به کاهش بوده است. در دهه گذشته دولت مرتباً قوانینی را تصویب کرده است که هدف آن محدود کردن امکان حضور زنان در بخش‌های دولتی و حتی بخش خصوصی بوده است. بسیاری از زنان تحصیل کرده از یافتن کار باز می‌مانند و تبعیض‌های جنسیتی همچنان مانع رسیدن زنان به مراحل بالاتر مدیریتی است.

با وجود این در بخش‌های خدماتی به تدریج مشارکت زنان رو به افزایش است و به تدریج اعتماد به زنان تحصیل‌کرده افزایش داشته است. زنان برای حفظ خود در صحنه رقابت اقتصادی تن به رنج و سختی بیشتری می‌دهند و ناگزیر هستند

در محیط کسب و کار خشونت‌های پیدا و پنهان و آزارهای جنسیتی و جنسی را در سطوح گوناگون تحمل کنند. قوانین نابرابر و تحمیل‌های فرهنگی مانند حجاب، همراه با سلطه باورهای فرهنگی مردسالارانه و زن‌ستیزانه زنان را در زندگی روزمره درگیر پیکاری همیشگی با باورهای اجتماعی واپسگرا ساخته است.

این وضعیت سبب شده است که توجه به حقوق انسانی در میان زنان ایرانی بیش از مردان مورد توجه قرار گیرد. نفوذ باورهای فمنیستی و باورهایی که به رهایی زنان از قید سنت‌ها و باورهای سنتی و اغلب مذهبی منجر می‌شود نوعی انقلاب فکری را در زنان ایران به وجود آورده است. انقلاب فکری که زنان را به نیروهای پیشرو در جامعه ایران مبدل ساخته است.

از این منظر، آینده تحولات اجتماعی در ایران به میزان زیادی وابسته به میزان موفقیت زنان ایران در به دست آوردن حقوق برابر و کاستن از دامنه خشونت علیه زنان است. **تبعیض علیه زنان گسترده‌ترین و ویرانگرترین تبعیضی است که در ایران جریان دارد.**

بسیاری از این تبعیض‌ها از فرط تکرار و روزمرگی نادیده گرفته می‌شوند. اگر از دامنه این تبعیض‌ها کاسته نشود و مسیر رهایی زنان ادامه نیابد، نه فقط زنان که کلیت جامعه ایران درگیر بحرانی فروکاهنده خواهد شد. نظام سیاسی ایران تاکنون تلاش کرده است از وارد شدن مسئله زنان به کانون امر سیاسی در ایران جلوگیری کند و در پوشش تعریف و تمجیدهای سطحی و تبلیغاتی از زن، مسئله زنان را به مسئله‌ای فرعی و ویژه زنان در سیاست ایران تنزل دهد و تبعیض‌های ناشی از اجرای قوانین مدنی و مذهبی ضد زن را به فراموشی بسپارد.

اما به نظر می‌رسد قدرت اجتماعی زنان که تاکنون در مسیر مقابله با اراده سیاسی دولت پیش رفته است، در مسیری حرکت می‌کند که به طور مستقیم به

افزایش قدرت سیاسی زنان می‌انجامد. به این ترتیب شاید زنان برای حفظ موقعیتی که تاکنون برای به دست آوردن آن پیکار کرده‌اند، چاره‌ای جز مبارزه برای افزایش سهم زنان در قدرت سیاسی در ایران نداشته باشند.

محرومیت بازیکنان دوجنسیتی از فوتبال و فوتسال زنان ایران

.

مهدی رستمپور

با آغاز اجرای دستورالعمل تعیین جنسیت در باشگاه‌های فوتبال و فوتسال زنان، تاکنون هفت فوتبالیست و فوتسالیست زن از حضور در مسابقات محروم شده‌اند. کمیته پزشکی و کمیته انضباطی فدراسیون فوتبال، این دستورالعمل مشترک را به باشگاه‌ها ابلاغ کرده‌اند.

به گفته احمد هاشمیان، رئیس کمیته پزشکی فدراسیون فوتبال، تمام زنان فعال در لیگ، قبل از عقد قرارداد باید در معاینات پزشکی شرکت کرده و فقط پس از تکمیل پرونده توسط پزشک معتمد باشگاه و تایید نهایی آن می‌توانند قرارداد ببندند.

اسامی این بازیکنان یا حتی نام تیم‌های آنها اعلام نشده. به گفته هاشمیان، در صورتی که این افراد بتوانند «مشکلات خود را از طریق جراحی حل کرده» و در معاینات پزشکی صلاحیت لازم را احراز کنند، امکان فعالیت در فوتبال و فوتسال را خواهند داشت.

نمایندگان این کمیته مشترک، به صورت سرزده به باشگاه‌های فوتبال و فوتسال فعال در بخش زنان سرکشی می‌کنند. نبودن پرونده یا تکمیل نبودن پرونده

ورزشکار، تخلف محسوب شده و در کمیته انضباطی به آن رسیدگی خواهد شد.

ماجرای ورزشکاران دوجنسیتی در فوتبال بانوان، نخستین بار در سال ۱۳۸۸ مطرح شد. در بازی عقاب مازندران و شنسای ساوه در لیگ فوتبال زنان ایران، ابهاماتی درباره دروازه‌بان شنسا مطرح شد و رئیس کمیته انضباطی هم دستور پیگیری موضوع را صادر کرد. همان وقت، یکی از مربیان لیگ از تغییر جنسیت پنج بازیکن و حضورشان در فوتبال زنان خبر داد.

گفته شد در تیم ملی بسکتبال زنان ایران نیز یک بازیکن تغییر جنسیت داده. به طور کلی، برای نخستین بار بود که در ایران چنین مسئله‌ای در رسانه‌های همگانی مطرح می‌شد. سایت تابناک نوشت که زمان مدیریت دادکان، بازیکنی به اسم میم - ی از ستاره‌های لیگ بود، اما با عمل جراحی جنسیتش را تغییر داد و پسر شد. این اتفاق برای یکی دیگر از بازیکنان تیم ملی هم افتاد.

فریده شجاعی، نایب رئیس فدراسیون فوتبال ایران، در امور زنان نیز گفت: «ما اصلاً چنین مسئله‌ای نداریم. رسماً دارم همه جا داد می‌زنم، فریاد می‌زنم که چنین چیزی نیست. این اصلاً صحت ندارد. بروید اصلاً امتحان کنید، آزمایش کنید،» این‌ها حرفی است که درآورده‌اند، شایعاتی است که رواج داده‌اند

خانم شجاعی حالا پس از چهار سال در روز اعلام خبر محرومیت هفت بازیکن، خبر دیگری را به رسانه‌ها اعلام کرده که بهت و تعجب خانواده ورزش بانوان را در پی داشته. شجاعی گفته است که **شهرزاد مظفر سرمربی تیم ملی فوتسال زنان** از سمت خود کناره‌گیری کرده

شهناز یاری که پیش از این سرمربی‌گری تیم «ب» را بر عهده داشت، به عنوان سرمربی موقت تیم ملی معرفی شده. این در حالی است که شهرزاد مظفر موفق

شده بود فوتسال زنان ایران را برای نخستین بار صاحب مدال نقره آسیا کند. او مدرس فیفا هم هست و از منظر برخی خبرنگاران حوزه ورزش زنان، دلیل قانع‌کننده‌ای برای استعفای مظفر اعلام نشده.

همین سوال را ایسنا از شجاعی پرسیده و او در پاسخ گفته: «در جریان نیستم که علت استعفای مظفر دقیقاً چیست. مدتی بود که مظفر به صورت شفاهی بحث استعفایش را مطرح می‌کرد، اما امروز به صورت کتبی موضوع را اعلام کرد و.» ما هم غافلگیر شدیم. به هر حال انتظار نداشتیم که مظفر یک‌باره برود

اما متن این استعفای کتبی در سایت فدراسیون فوتبال منتشر نشده. این فدراسیون حتی خبر استعفا را هم منتشر نکرده و صرفاً نوشته است: «پس از پیشنهاد امور بانوان و موافقت کمیته فنی و توسعه، شهناز یاری به عنوان سرمربی موقت تیم ملی فوتسال بانوان معرفی شد»

خانم شجاعی درباره این که آیا سرمربی تیم ملی فوتسال بانوان اختلافی با فدراسیون داشته است، گفت: هیچ اختلافی نبوده، مظفر خودش صلاح زندگی‌اش را می‌داند و من نمی‌توانم به مسائل زندگی او ورود پیدا کنم. فدراسیون دوست ندارد مربیان خوب خود را از دست بدهد، اما چاره‌ای جز انتخاب سرمربی موقت نداشتیم.

شهرزاد مظفر خودش گفته: مدتی درگیر کلاس مربی‌گری فیفا هستم و چند ماه نمی‌توانم در تیم ملی باشم. در این چند ماه اردوهای زیادی داریم به همین دلیل موقتاً نمی‌توانم در تیم ملی باشم.

او بدون اشاره به استعفای مکتوب، به فارس نیوز گفته است که «شغل.» «سرمربی‌گری حباب روی آب است، یک روز هست و یک روز نیست»

«دگرباشان ایران از سوی حکومت و جامعه در تبعیض اند»



پرچم رنگین کمان نماد جنبشیست که خواهان حقوق برابر برای دگرباشان در جهان است

مرکز اسناد حقوق بشر ایران با انتشار گزارشی مفصل، از «نقض حقوق دگرباشان در ایران» خبر داده و تاکید می‌کند که دگرباشان ایرانی «هم از سوی حکومت و هم جامعه مورد تبعیض قرار گرفته و از آنها سوءاستفاده می‌شود».

این گزارش که با نام «هویت انکار شده» منتشر شده، بر اساس گفت‌وگو با شماری از دگرباشان ایرانی‌ای که «آزار و اذیت شده‌اند» و همچنین تحلیل حقوق جزایی جمهوری اسلامی، به مواردی از «نقض حقوق دگرباشان و عدم پیروی ایران از قوانین بین‌المللی» اشاره کرده است.

در این گزارش آمده است: «جمهوری اسلامی از زمان روی کار آمدنش، در قانون و عمل، با همجنس‌گرایان تبعیض‌آمیز برخورد کرده است. در شرایطی که ترانجسیتی‌ها (ترنس جندر) در ایران، در صورت تغییر جنسیت خود، مورد حمایت قانونی قرار می‌گیرند، این نگرانی شدید وجود دارد که همجنس‌گرایان نیز بدون هیچ لزومی، تشویق شوند که برای تغییر جنسیت، تحت عمل جراحی قرار بگیرند.»

بر اساس فتوای آیت‌الله خمینی، بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، ترنس‌جندرها در

ایران می‌توانند تحت عمل جراحی قرار گرفته و جنسیت خود را تغییر دهند، اما همجنس‌گرایی، بر اساس باورهای جمهوری اسلامی یک نوع «انحراف جنسی» به شمار می‌رود و پذیرفته شده نیست.

مرکز اسناد حقوق بشر ایران که مقرش در کانتیکت آمریکا است در گزارش خود که ۱۶ آبان‌ماه منتشر شده، آورده است که در عین حال دگرباشان ایران هدف طیف گسترده‌ای از سوءاستفاده‌ها و تبعیض‌ها از قبیل «دستگیری، تجاوز در حین بازداشت، اخراج از موسسه‌های آموزشی و محرومیت از فرصت‌های شغلی» قرار می‌گیرند و این در حالی است که این تبعیض‌ها و سوءاستفاده‌ها در سطح جامعه نیز علیه آن‌ها اعمال می‌شود.

گیسو نیا، مدیر اجرایی مرکز اسناد حقوق بشر ایران، در خصوص این گزارش گفته است: «در حالی که روند جهانی رو به سوی قانونی کردن ازدواج همجنس‌گرایان و افزایش حمایت‌ها از حقوق دگرباشان دارد، قوانین ایران همچنان «تنبیه بدنی و حتی اعدام همجنس‌گرایان را روا می‌داند».

خانم نیا افزوده است: «تا زمانی که مقام‌های ایران نپذیرند که قانون اساسی جمهوری اسلامی نیازمند اصلاحی عمیق است تا از طریق آن بتوان از حقوق این گروه اقلیت حمایت کرد، شاهد خروج شمار زیادی از دگرباشان از ایران و «پناهنده شدنشان در بیرون از مرزهای آن کشور خواهیم بود».

سازمان‌های حقوق بشری و فعالان حقوق بشر بارها در مورد به وضعیت دگرباشان در ایران ابراز نگرانی کرده‌اند.

احمد شهید، گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل در امور ایران اسفندماه

در گزارش خود

اظهار کرد

که دگرباشان در ایران مورد «آزار و اذیت، بازجویی و مجازات‌های ظالمانه» قرار می‌گیرند و حقوق اساسیشان نادیده گرفته می‌شود.

محمدجواد لاریجانی، دبیر ستاد حقوق بشر قوه قضائیه ایران در واکنش به گزارش احمد شهید،

تاکید کرده است که در نظام جمهوری اسلامی همجنس‌گرایی

«یک مرض و بیماری»

است و تبلیغ برای آن «خلاف قانون» است.

چرا تجاوز در ایران مثل هند حساسیت عمومی را بر نمی‌انگیزد؟

.



آزاده اسدی

حدود سه هفته از تجاوز گروهی به یک دختر ۲۳ ساله هندی در دهلی می‌گذرد؛ جریانی که تبدیل به یک اعتراض در سراسر کشور شد. ۶ مرد روز ۱۶ دسامبر یا ۲۶ آذرماه در اتوبوسی به این دختر تجاوز کردند. او را با میله آهنی به شدت کتک زدند و بعد از تجاوز او را با مرد جوانی که همراهش بود از اتوبوس به بیرون پرتاب کردند. دختر دانشجوی رشته فیزیوتراپی که نامش هنوز مشخص نشده دو هفته بعد از شدت جراحات در بیمارستانی در سنگاپور درگذشت.

اما گویا این مرگ و داستان طولانی تجاوز به زنان در هند بهانه‌ای بود برای شکل گرفتن یک تظاهرات گسترده در دهلی که به بقیه شهرهای هند رسید. هر چند جسد این دختر دانشجوی سوزانده شد ولی خشم مردم فروکش نکرد و کار به جایی رسید که مانموهان سینگ، نخست وزیر هند، خواستار آرامش مردم شد و در بیانیه‌ای تاکید کرد دولت تمام اقدامات لازم را برای پیشگیری از خشونت علیه زنان انجام می‌دهد.

این همان چیزی است که تظاهرکنندگان خشمگین می‌خواهند. آنها در قالب شعار و نوشته‌هایی که با خود دارند می‌گویند زنان در سراسر هند ابزار مزاحمت‌های مردان و تجاوزهای فردی و گروهی هستند. آنها خواستار شدیدترین مجازات برای کسانی شدند که در اتوبوس به دختر جوان تجاوز کردند. اعدام تنها چیزی است که این مردم فریاد می‌زنند و پدر این دختر مقتول هم خواستار آن است؛ مجازاتی که البته از دید برخی فعالان اجتماعی در هند مجازات مناسبی نیست.

هریش سادانی، رئیس و بنیان‌گذار سازمان مردان علیه خشونت و آزار در هند، می‌گوید مجازات اعدام شرایط را تغییر نمی‌دهد و می‌افزاید:

مجازات اعدام شرایط را تغییر نمی‌دهد. قطعیت اعمال حکم به نظر ما مهم‌تر « از شدت آن است. اگر کسی که قصد تجاوز دارد به شدت مجازات آگاه و در «مورد پلیس و قدرت قانون مطمئن باشد به تجاوز فکر هم نمی‌کند

پلیس هند روز پنجشنبه پنج نفر را که به این دانشجوی دختر ۲۳ ساله تجاوز کرده بودند رسماً تفهیم اتهام کرد. اتهامات آنان تجاوز و قتل ذکر شده که می‌تواند مجازات اعدام را در پی داشته باشد. نفر ششم که ممکن است کمتر از

۱۸

سال سن داشته باشد در انتظار پاسخ پزشکی قانونی برای تشخیص سن است.

بهاراتی کوتوال از اعضای مرکز اسناد و تحقیقات زنان آلاکونا در هند، در یک گفت‌وگوی کتبی با رادیو فردا با مجازات اعدام موافق نیست و معتقد است: «ما فکر نمی‌کنیم مجازات اعدام به کاهش تجاوز کمکی کند

به احتمال زیاد این مجازات باعث سرکوب بیشتر هم می‌شود چون ممکن است متهم و پلیس فشار بیشتری بر قربانی تجاوز بیاورند تا به دلیل مجازات دنبال «روند قانونی نرود

هریش سادانی که دست کم ۲۰ سال است با راه‌اندازی موسسه خود تلاش می‌کند همراه با مردان جوان به کاهش خشونت علیه زنان در کشور کمک کند می‌گوید، در فرهنگ و تاریخ پنج هزار ساله مردسالاری در کشور هند مذهب، دولت و رسانه‌ها زیر سلطه مردان بوده‌اند و می‌افزاید: «خانواده یکی از مهم‌ترین عواملی است که در جامعه هند پسران را از ابتدای تولد با تصویر سنتی مردانگی آشنا می‌کند. پسران در خانواده طوری رشد می‌کنند که جایگزینی برای مفهوم

مردسالاری در قبال زنان خانواده خود ندارند. آنها هزینه‌ای در برابر اعمال
«خشونت علیه زنان نمی‌پردازند»

از سوی دیگر بهاراتی کوتوال از مرکز اسناد و تحقیقات زنان آلاکونا در پونه
هند، درباره قانون فعلی رسیدگی به موارد تجاوز در این کشور از وضعیت رو به
وخامت قانون برخورد با متجاوزان می‌گوید که شرایط ارتکاب جرم برای مردان
را ساده‌تر کرده و آنها را از مجازات مصون نگه داشته‌است

وی می‌گوید:

دولت می‌تواند برای کاهش تجاوز به زنان در کشور با ثبت سریع هر مورد «
توسط پلیس و برگزاری مداوم و زودهنگام دادگاه‌های مربوط به این اتهامات
کمک کند. گاهی حتی پلیس برای ثبت این شکایت‌ها تلاشی نمی‌کند یا کار را کند
و دیر انجام می‌دهد. پلیس و دستگاه قضایی با تصور نادرست مردسالارانه به
شکایت‌های مربوط به تجاوزهای جنسی به سرعت رسیدگی نمی‌کنند. دلیلش هم از
«دید آنها این است که قربانی جنسی به دلیل انگ اجتماعی نباید شناخته شود»

خانواده‌ها که از دید برخی فعالان مدنی در هند نقش مهمی در شکل‌گیری نگاه
مردسالارانه و ضد زن پسران دارند، به گفته هریش سادانی دختران را به عنوان
عضو خدمت‌دهنده به مردان بزرگ می‌کنند.

هریش سادانی:

در جامعه هند پدر و مادرها از دختران می‌خواهند قبل از تاریک شدن هوا به «
خانه برگردند و لباس مناسب بپوشند. این نوع محدودیت‌ها از سوی خانواده اعمال
می‌شود و تازه اینها در شرایطی است که اصولاً نوزاد دختر در خانواده پذیرفتنی
نیست و بیشتر خانواده‌ها از ابتدا دختر حامله خود را مجبور می‌کنند تست

تشخیص جنسیت جنین بدهد. وقتی زندگی یک دختر در خانواده این چنین شروع شود، حتی زمانی که در جامعه به او تجاوز می‌شود هم خانواده او را مقصر «می‌دانند»

اما جریان تجاوزهای گروهی فقط منحصر به هند نیست. در برخی کشورهای دیگر از جمله ایران هم هر از چندی اخبار مربوط به این نوع تجاوزهای جمعی به یک یا چند زن منتشر می‌شود

سال ۹۰ بزرگترین پرونده‌های تجاوز جمعی در نقاط مختلف ایران به شکل رسانه‌ای مطرح شد. خرداد سال گذشته اخبار مربوط به تجاوز گروهی به ۶ زن در خمینی شهر اصفهان و تجاوز ۱۰ نفر به یک زن در شهرستان کاشمر در استان خراسان رضوی در کنار اخبار تجاوز چند نفر به پزشک زن روستا و آزار و اذیت او در استان گلستان منتشر شد

اما چه جریاناتی باعث شکل‌گیری و رشد تجاوزهای گروهی به زنان در یک جامعه می‌شود؟

علی اکبر مهدی، استاد جامعه‌شناسی در دانشگاه ایالتی کالیفرنیا در لس‌آنجلس پاسخ می‌دهد: «بیشتر تجاوزهای جمعی را ما در موقعیت‌های جنگی داریم که با تضادهای قومی و قبیله‌ای، سیاسی و حتی دینی شکل می‌گیرد. ولی متأسفانه وقتی در سطح اجتماع تجاوز را به گونه‌ای که ما در ایران از جمله در خمینی‌شهر یا تهران می‌بینیم، این مسئله برمی‌گردد به ویژگی‌های جمعیتی. یعنی کسانی که به این تجاوزها دست می‌زنند موقعیت بسیار تحقیر شده زنان در جامعه را می‌بینند و تصویری که جامعه از زن ارائه داده به عنوان یک جنس که حضورش در میان مردان تحریک‌کننده است. این تعریف خود به خود زمینه‌ساز این گونه اعمال «است»

اما چرا اعتراض به موردی مثل تجاوز گروهی به یک دختر دانشجو در هند می‌تواند تبدیل به سه هفته اعتراض و راهپیمایی و خشم جمعی مردم این کشور شود، ولی در ایران اعتراض همگانی را برنیا نگیرد؟

علی اکبر مهدی، جامعه‌شناسی که از جمله پژوهش‌هایی در باره نوجوانان و زنان در ایران دارد، دو عامل را در این زمینه دخیل می‌داند: «اول عامل فرهنگی جامعه است که برمی‌گردد به ساختار ذهنی جامعه و مردم ما. از آنجا که مردم این امر را ناموسی می‌دانند سعی می‌کنند پنهان‌کاری کنند و جامعه به قربانی برچسب ناگواری می‌زند که هزینه‌اش از نظر اجتماعی و فرهنگی برای خانواده قربانی بسیار زیاد است پس بیشتر پنهان‌کاری انجام می‌شود. این امر تداوم دیگری هم دارد که بسیار دردناک است، این که قربانی مورد حمایت و درمان قرار نمی‌گیرد. به نظر من نبود ساختارها کمک می‌کند که در جامعه ایران این «مسئله حساسیت‌های عمومی و پرسروصدا را به وجود نیآورد»

«تفاوت‌های مغزی «مردان مریخی» و «زنان ونوسی»



دانشمندان بعد از بررسی مغز هزار زن و مرد به این نتیجه رسیده‌اند که چه بسا دو جنس بشر به راستی «مریخی» و «ونوسی» باشند، چرا که مغز این دو، دستکم در اتصالات عصبی متمایز است و «مدار بندی» متفاوتی دارد.

به نوشته روزنامه بریتانیایی «گاردین»، پژوهشگران با بررسی اسکن مغزی حدود هزار زن و مرد متوجه شدند که باورهای دیرین درباره تفاوت‌های فاحش میان عملکرد مغزی مردان و زنان تا حدی ریشه در واقعیت دارد.

بنابر گزارش گاردین از نتایج منتشر شده پژوهش یاد شده، الگوهای مدارهای عصبی برگرفته از مغز انسان در این تحقیق نشان داد که اتصال‌های عصبی در مغز زنان میان دو نیمکره چپ و راست مغزی تراکم داشته و در مقابل، همین الگوها در مردان اتصال‌های عصبی قویتری را در نواحی پسین و پیشین مغز آشکار کرد.

راجینی وِرمّا، پژوهشگر دانشگاه پنسیلوانیا و سرپرست گروه پژوهشگران، در توضیح یافته‌های پژوهش فوق گفت که بزرگترین شگفتی تحقیق، «تأیید باورهای قالبی کهن» درباره عملکرد مغز مردان و زنان بوده است.

به گفته این دانشمند «مدار بندی مغز آقایان برای مشاهده و اعمال نیازمند هماهنگی کارایی بالاتری داشته، در حالی که در زنان توانایی‌هایی اجتماعی و حافظه قوی‌تری را ممکن ساخته است؛ به همین دلیل است که بانوان برای انجام چندین کار به صورت هم‌زمان توانایی بیشتری دارند.

وِرمّا در ادامه توضیحات خود افزود: «اگر به مطالعات انجام شده بر روی عملکرد مغز مراجعه کنید، خواهید دید که نیمکره چپ مغز بیشتر برای انجام تفکر منطقی مورد استفاده قرار می‌گیرد، و نیمکره راست برای تفکر شهودی ازین جهت، اگر کاری باشد که نیازمند هر دوی این توانایی‌ها باشد، بر پایه «یافته‌های ما، زنان توانایی بهتری در انجام آن خواهند داشت

وی تصریح کرد: «زنان متفکران شهودی بهتری هستند و حافظه برتری دارند. وقتی که صحبت می‌کنید، زنان ارتباط احساسی بهتری با پیام شما برقرار می‌کنند.» زن‌ها بیشتر گوش می‌کنند

وِرمّا - که خود نیز زن است - در ادامه توضیح داد: «متعجب شده بودم که پژوهش ما بسیاری از باورهای قالبی موجود در اذهان را تأیید کرد. حالا متوجه می‌شوم که چرا وقتی می‌خواهم، مثلاً، سراغ یک سرآشپز یا آرایشگر استادکار بروم، بیشترشان مرد هستند

از دیگر نکات حائز اهمیت این پژوهش آن است که اکثر تغییرات مبتنی بر

جنسیت در مغز انسان‌ها از سال‌های نوجوانی (حدود ۱۳,۴ تا ۱۷ سالگی) بروز می‌یابند. در عمل، «اهالی مریخ» و «ساکنان ونوس» بالاترین میزان تفاوت در نیمکره‌های مغزی را در سنین یاد شده نشان داده‌اند؛ زمانی که در زنان اتصال‌های عصبی بیشتری میان دو نیمکره در بخش لوب پیشانی مغز به چشم می‌خورد.

در مراحل بعدی و با مُسن‌تر شدن زنان، به تدریج تمرکز اتصال اعصاب از ناحیه لوب پیشانی مغز به دیگر نقاط پراکنده شده و در عمل تفاوت میان عملکرد مغز زنان و مردان کاهش می‌یابد.

اسکن مغز صدها مرد و زن شرکت کننده در این پژوهش همچنین نشان داد که فراوانی اتصال‌های عصبی میان دو نیمکره مغز به طور کلی در زنان بالاتر بوده محدود - و در مردان اتصال‌ها بیشتر به درون هر نیمکره - به صورت جداگانه می‌شوند. با این همه، تنها در یک نقطه در مغز مردان اتصال‌های بیشتری بین نیمکره‌های چپ و راست به چشم می‌خورد که «مُخچه» نام دارد و نقش اصلی آن در هدایت حرکتی است. ورمای توضیح تأثیر این تراکم اتصال عصبی در مُخچه مردان گفت که «مثلاً، اگر بخواهید اسکی یاد بگیرید، یک مُخچه قوی نیاز دارید».

جزئیات پژوهش یاد شده در نشریه «پی. ان. ای. اس» به چاپ رسیده است.

هم‌اینک، دانشمندان نمی‌توانند مقدار الگوی اتصال عصبی مغزی «مردانه» یا «زنانه» را در افراد اندازه‌گیری کنند. افزون بر این، پرسش دیگری که در برابر محققان قرار دارد این است که آیا تفاوت‌های ساختاری موجب تفاوت در عملکرد مغز می‌شود، یا اینکه این تفاوت در عملکرد است که منجر به تفاوت ساختاری می‌شود.



منیره برادران

منیره برادران، زندانی سیاسی دهه ۶۰ با ۹ سال سابقه زندان که شش ماه از این مدت را درون سلول انفرادی به سر برده می‌گوید: «یکی از چیزهایی که عامل فشار بر روی زنان می‌شود مسئله عادت ماهانه زنان است که زندانبان‌ها از دادن نوار بهداشتی خودداری می‌کنند و زندانی باید مدام بگوید و درخواست کند. من «دوره‌های زیادی در زندان داشتم که به ما نوار بهداشتی نمی‌دادند

فریبا داودی مهاجر از فعالان سیاسی و مدنی در سال ۷۹ به مدت ۴۰ روز در سلول‌های انفرادی بازداشتگاه عشرت آباد سپاه بود. بازداشتگاهی که خانم داودی «مهاجر می‌گوید: «تمام زندانبانان این زندان مرد بودند

فریبا داودی مهاجر با اشاره به اینکه در حالی که نیاز مبرم به نوار بهداشتی داشته، او را تا چند روز در وضعیتی غیر بهداشتی نگه داشته‌اند و توجهی به درخواست‌های او نمی‌کرده‌اند می‌گوید: «خانم‌ها یک سری نیازهای بهداشتی دارند که نمی‌توانند به مردها بگویند که ما چه نیازهایی داریم و من ساعت‌ها کف سلول نشسته بودم و چادرم را پهن کرده بودم دورم. آن‌ها مرا در این شرایط قرار داده بودند تا مرا تحقیر کنند. من ساعت‌ها نشسته بودم و نمی‌توانستم از سلول بیرون بیایم. به آن‌ها می‌گفتم باید بروید و یک زن بیاورید

بالاخره آن قدر نرفتم بازجویی تا یک زن برایم آوردند و من هرگز آن زن را فراموش نمی‌کنم. چون او وقتی وضعیت مرا دید و وسایلی که می‌خواستم را در یک کیسه به من داد. دیدم که برای من در کیسه مقداری پسته گذاشته است و من «خیلی شرایط تغذیه‌ای بدی داشتم. به من گفت حتما این را بخور»

زندانی از بیرون سلول صدای یک زندانبان مرد را می‌شنود. ترس تمام وجودش را فرا گرفته است. او پس از چند روز فهمیده که در بازداشتگاهی به سر می‌برد که تمام کارکنان آن مرد هستند. زندانبان، بازجو و حتی زندانیان سلول‌های اطرافش.



فریبا داودی مهاجر

فریبا داودی مهاجر، با تجربه‌ی چهار روز سلول انفرادی در بازداشتگاهی که تمام پرسنل و زندانیان آن مرد بودند می‌گوید: «حمامی که می‌رفتیم نگهبان به من می‌گفت که برو حمام ولی حق نداری در آن را ببندی. ولی تصور اینکه من به حمام بروم که نتوانم در آن را ببندم برای من قابل تصور نبود گر چه او «می‌گفت که نگاهت نمی‌کنم»

خانم داودی مهاجر همچنین تاکید می‌کند: «ادبیات انفرادی‌ها کاملا مردانه بود. تنها چیزی که زندانبانان هر صبح در مورد آن حرف می‌زدند در مورد احتیاجات زندانیان مرد بود که آن قدر برای من آزار دهنده بود که گاهی فکر می‌کردم این‌ها

«به قصد این کلمات را به کار می‌برند تا مرا آزار بدهند

فریبا داودی مهاجر با اشاره به اینکه «به کار بردن اسامی مواد بهداشتی مخصوص مردان برایم ناخوشایند بود» می‌گوید: «بدون شرم در مورد این مسائل با هم حرف می‌زدند و یا بلند داد می‌زدند که "اگر دیشب این اتفاق برایت افتاده پس بیا برو حمام" شنیدن این جمله‌ها برایم خیلی آزار دهنده بود

فرشته قاضی، روزنامه نگاری است که در سال ۸۳ در پرونده موسوم به وبلاگ نویسان ۴۰ روز در بازداشت بود. او ۳۸ روز از این مدت را در انفرادی فرشته قاضی ۳۰ روز از این مدت را در یک بازداشتگاه مخفی به سر برد بود.



فرشته قاضی

فرشته قاضی با اشاره به اینکه «شب‌های سلول انفرادی را در بازداشتگاه مخفی با کابوس تجاوز از سوی زندانبان و یا بازجو به صبح می‌رسانده» می‌گوید احساس ناامنی خیلی بدی داشتم به این دلیل که بارها از سوی بازجو تهدید به « تجاوز شده بودم و در اصل بیش از هر چیزی در آن سلول، نه تنهایی بلکه یک نوع ناامنی بود که آزارم می‌داد

فرشته قاضی تاکید می‌کند: «بازجوی من یک بار هم آمده بود و درب سلول را باز کرده بود و از همان جا با من صحبت کرده بود و برگه داده بود که این‌ها که

گفتیم را باید بنویسی وگرنه تهدیدهایی که کردیم را عملی خواهیم کرد. این ترس همیشه با من بود. هر بار که صدای در می‌آمد این ترس با من بود که مبادا «بخواد بیاید داخل سلول و آن وقت من باید چکار می‌کردم؟»

زندانبان مرد شب‌ها پنجره و در سلول را باز می‌کند و برای دقایقی طولانی به زندانی زن که در گوشه سلول نشسته خیره می‌شود. زندانی هر بار که زندانبان به او نگاه می‌کند تمام وجودش را ترس و وحشت فرا می‌گیرد.

فریبا داوودی مهاجر درباره چنین تجربه می‌گوید: «نیمه شب‌ها نگهبان می‌آمد و دریچه‌ای که آن بالا بود را باز می‌کرد و یک ساعتی مرا تماشا می‌کرد. من پایم را مثل چوب خیمه می‌گذاشتم به شکلی که مبادا او یک قسمتی از حتی شانه مرا ببیند و احساس همان تجاوز را من با نگاه خیره او می‌کردم»

در دهه‌های مختلف کابوس زنان از تجاوز در سلول‌های انفرادی در مواردی تنها در حد کابوس نماند و رنگ حقیقت به خود گرفت

سعیده سیابی در سال ۶۱ به اتهام همکاری با یک گروه سیاسی به همراه همسر و فرزند چهار ماهه‌اش بازداشت شد.

او تا پایان سال ۶۱ در زندان‌های اردبیل و تبریز به سر برد. سعیده سیابی در بخشی از کتاب عقوبت بدون جنایت که توسط سازمان «عدالت برای ایران» منتشر شده است درباره تجربه خود از دوران زندان می‌گوید که بارها و بارها در مقابل چشم بچه چهار ماهه‌اش مورد تجاوز قرار گرفت

سعیده سیابی به وب سایت «عدالت برای ایران» می‌گوید: «یک بار یکی از پاسدارها با برنامه قبلی که ریخته بود وارد سلول من شد. او تمام سلول‌ها را خالی

کرده بود و فقط من آنجا بودم. کلید همه جا را داشت و حتی نگهبان شب هم که قرار بود آنجا باشد، در آنجا نبود. دو روز در میان نگهبان‌ها دو شب زن و یک شب مرد بودند. یک شب قرار بود که نگهبان مرد باشد. یک مرد میانسالی بود که آمد در سلول را باز کرد و گفت که اگر هم جیغ بزنی هیچ کس اینجا نیست که به «دادت برسد. بعد از آن بود که او به من تجاوز کرد

چه افرادی که مورد تجاوز قرار گرفتند و چه کسانی که با کابوس آن، روزها و شب‌های سلول افرادی را تحمل کردند، هنوز هم پس از سال‌ها آزادی‌شان، از فکر آن رهایی نیافته‌اند.

فریبا داوودی مهاجر معتقد است: «تمام حریم زنانگی آدم مورد تجاوز قرار می‌گیرد. همه‌اش فکر می‌کنی هر آن ممکن است یک اتفاق برایت بیافتد و هیچ کس هم از تو خبردار نمی‌شود و فضای جامعه تو به شکلی است که اگر هم آزاد بشوی هرگز نمی‌توانی راجع به اتفاقی که افتاده است با کسی صحبت کنی. این برای من خیلی سخت بود. فکر می‌کردم چرا باید اتفاقی برای من بیافتد که من نتوانم راجع به آن حرف بزنم. این خیلی سخت بود. از این رو من بعد از آزادی از همه مردهای ریشو و از همه آدم‌هایی که ریش داشتند می‌ترسیدم. و هنوز هم «من از این آدم‌ها می‌ترسم

زندانی هیچ شبی را با آرامش خوابیده است. او شب‌ها از ترس زندانبانان مرد و یا نگاه‌های خیره نگهبان به درون سلولش، هوشیار می‌خوابد

چشمانش را روی هم می‌گذارد ولی ذهنش همیشه بیدار است. با کوچک‌ترین صدایی ناخودآگاه تمام چادرش را دور خودش می‌پیچاند. نیمه شب از بیرون سلول صدای قدم زدن یک نفر را می‌شنود. صدا به سلول او نزدیک‌تر می‌شود.

قفل در سلولش باز می‌شود و زندانی در حالی که از اضطراب خیس شده به یک باره با دیدن این کابوس از خواب بیدار می‌شود.

هدف از طرح آموزش جداگانه در مدارس بر اساس جنسیت چیست؟



شیرین فامیلی

- شورای عالی انقلاب فرهنگی طرح دیگری را برای تفکیک جنسیتی در مدارس در دست بررسی دارد. خبرگزاری مهر به نقل از علی لطیفی عضو کارگروه تحول نظام آموزشی در این شورا خبر از طرحی داده‌است که در آن جزئیات آموزش‌های مختلف در مدارس بر اساس جنسیت تعیین شده‌است. به گفته او تفکیک جنسیتی تنها شامل کتاب‌های درسی نمی‌شود بلکه فضای مدرسه و امکانات آموزشی هم جزو آن است.

پیش از این حمیدرضا حاجی بابایی وزیر آموزش و پرورش نیز از فضاهای آموزشی، آموزش، تربیت و کتاب‌های درسی «متناسب‌سازی براساس جنسیت دانش‌آموزان خبر داده بود

در گفت‌وگو با سعید پیوندی کارشناس مسائل آموزشی ایران و استاد دانشگاه در پاریس از او پرسیده‌ایم منظور از تغییر روش‌های آموزشی بر اساس جنسیت چیست؟

گفت‌وگوی شیرین فامیلی با سعید پیوندی، جامعه‌شناس در پاریس .

.

.

سعید پیوندی:

- این طرح می‌خواهد به تدریج یک نوع آموزش جدید متفاوت برای دختران به وجود آورد که در آن برخی از مطالب و محتوای کتاب‌های درسی بیشتر به دختران مربوط باشد و یک بخشی هم بیشتر به پسران

مثالی که خودشان در گذشته زده‌اند این است که لازم نیست یک پسر از بدن دختر چیزی بداند و فقط در مورد بدن پسران برای آنها صحبت کنیم و در واقع دختران و پسران در این زمینه آموزش متفاوت خواهند داشت. چون به نظر اینها صلاح نیست خیلی چیزها را دختران در مورد بدن پسران بدانند و بالعکس

یا مثلا در مورد وظایف زنانه و مردانه اینها فکر می‌کنند می‌توان هر کدام

را به طور جداگانه با وظایفشان آشنا کرد، درست مانند این که فکر کنیم زنان و مردان ما در دو جامعه متفاوت زندگی می‌کنند و هرگز با هم ارتباط ندارند، پس لازم است چیزهایی را بدانند که فقط مربوط به خودشان است.

هدف‌های اصلی این طرح چیست؟

هر کدام از پدیده‌هایی که در جامعه ما رشد کرده از جمله طلاق، ازدواج در سنین بالا، مجرد بودن به خصوص در مناطق شهری، مشارکت شانه به شانه زنان در فعالیت‌های اجتماعی و تمام شرایط فرهنگی که امروز زنان در جامعه ایران تجربه می‌کنند چیزهای مطلوبی برای مسئولان نیست و همه را از چشم آموزش می‌بینند. بنابراین برای جلوگیری از چنین روندی می‌خواهند آموزش در ایران را مهندسی کنند و به زنان آموزش‌هایی بدهند که متناسب با نقش‌هایی باشد که اینها می‌خواهند زنان داشته باشند.

یعنی نقش‌های زنانه محدود در حوزه‌های محدود و در جاهایی که نمی‌توان بدون زنان کار کرد، مثل دکتر زن یا معلم زن. اینها می‌خواهند زنان را در همین رشته‌ها محدود کنند و کاری کنند که فعالیت زن و حضور او در جامعه ثانوی باشد و می‌خواهند از پایه با این موضع برخورد کنند و به همین دلیل به سراغ آموزش در این سطح می‌آیند.

با توجه به فضای فعلی ایران، چنین طرح‌هایی چقدر می‌تواند عملی باشد؟

نمی‌توان گفت فقط نظام آموزشی بوده که سبب تحول در زنان و ایجاد نقش جدید برای آنها شده‌است. زنان در دنیای امروز زندگی می‌کنند و از هزاران راه با این دنیا ارتباط دارند که آموزش یکی از آنها است.

زنان در خانواده از طریق رسانه‌ها، زندگی اجتماعی و تجربه‌های شخصی روزمره به آگاهی جدید اجتماعی و خودآگاهی نسبت به نقش خود در جامعه می‌رسند و آموزش هم به آنان کمک می‌کند.

بنابراین فقط با عوض کردن نظام آموزشی نمی‌توانند چرخ تحول جامعه را به عقب برگردانند و زنان را در جایگاهی بگذارند که مطلوبشان است. پروژه ذهنی آنها این است که زن فقط نقش‌های محدودی باید داشته باشد.

البته این چیزی است که در ذهن نیروهای سنتی وجود دارد و در واقعیت جامعه مصداق چندانی ندارد و جز زیاد کردن تشنج در جامعه، افزایش مشکلات نظام آموزشی و افزایش درگیری‌های داخل جامعه ایران نتیجه دیگری نخواهد داشت. چون این طرح با روح زمانه و فرهنگ فعلی زنان و خواست‌ها و ذهنیت آنان تناقض و فاصله آشکاری دارد و بعید است چنین طرح‌هایی بتواند موفقیت داشته باشد.

•



یکی از آثار آسو خان محمدی در جشنواره چشم‌انداز زنان

[شهرام میریان](#)

۲۷/۱۲/۱۳۸۷

جشنواره چشم‌انداز زنان که هر دو سال یکبار در شهر کارلروهه آلمان برگزار می‌شود این بار در دهمین سال فعالیت خود به زنان ایرانی پرداخته و از بیست و سوم اسفندماه تا دهم فروردین ماه می‌کوشد به بازتاب تلاش و کوشش زنان ایرانی در گستره‌های گوناگون اجتماعی بپردازد، زنانی که اگر چه از حق و حقوق برابر با مردان برخوردار نیستند، ولی در تلاشند از راه‌های دموکراتیک و مسالمت‌آمیز به حقوق انسانی خود دست یابند.

به گفته **خانم الیزابت شاورت**، هماهنگ‌کننده جشنواره چشم‌انداز زنان در شهر کارلروهه، این واقعیتی است که زنان ایرانی از حق و حقوق کامل برخوردار

نیستند، ولی در عین حال نمی‌توان نادیده گرفت که همین زنان در جنبش نوسازی ایران نقش بسیار مهمی بر عهده دارند و بیش از نیمی از دانشجویان ایرانی را زنان تشکیل می‌دهند.

گزارش ویژه این هفته به معرفی و شناساندن جشنواره چشم‌انداز زنان ایرانی می‌پردازد که با عنوان «هزار و یک ایران» شامگاه روز جمعه ۲۳ اسفندماه در شهر کارلروهه آلمان گشایش یافت.

این جشنواره با سخن و موسیقی آغاز شد پس از سخنان شهردار کل کارلروهه، هاینس فردریش، و خانم الیزابت شاولت، هماهنگ‌کننده این فستیوال، پیام دکتر شیرین عبادی، حقوق‌دان و اولین برنده جایزه صلح نوبل توسط یک بانوی ایرانی، خوانده شد.

به منظور بازتاب فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی زنان ایرانی در جشنواره چشم‌انداز زنان در شهر کارلروهه حدود ۳۰ زن هنرمند ایرانی و غیرایرانی به این جشنواره دعوت شدند تا حاصل فعالیت‌های خود را به نمایش بگذارند.

دکتر شعله مصطفوی، هنرشناس ساکن آلمان و یکی از دست‌اندرکاران اصلی این جشنواره، در باب چگونگی گزینش این هنرمندان می‌گوید:

دو سفر به همراه دوستانی که از آلمان می‌شناختم و مدیر موزه‌ای که در آن مشغول به کار هستم به ایران انجام دادم و در آنجا به دنبال هنرمندانی گشتم که بتوانند کمی «هزار و یک هنر ایرانی» را نشان بدهند و هنر معاصر ایران را به مردم آلمان معرفی کنند.

راديو فردا:

ممکن است بگویید که در مجموع چند هنرمند ایرانی را از ایران به این جشنواره دعوت کردید؟

شعله مصطفوی:

در حوزه هنرهای نقاشی و عکاسی ده نفر را دعوت کردیم که ۹ نفر از آنان در اینجا نمایشگاه عکس و نقاشی – شامل هنرهای معاصر، عکاسی و مینیاتور و تذهیب

برگزار خواهند کرد.

یکی از صحبت‌هایی که امشب به هنگام گشایش این جشنواره مطرح بود این بود که در کنار عنوان جشنواره چشم‌انداز زنان، عنوان «هزار و یک ایران» نیز مطرح شد. ممکن است درباره انتخاب این نام توضیح دهید؟

شعله مصطفوی:

درباره این که تیتراژ این جشنواره را چه بگذاریم خیلی صحبت شد و هزار و یک ایران به نظرمان عنوان خوبی آمد که می‌توانستیم در درون آن نشان بدهیم که ایران فقط یک تصویر یک‌بعدی ندارد، بلکه هزار و یک تصویر دارد.

شما تاریخ هنر خوانده‌اید. دکترای‌تان هم در همین زمینه است. و در موزه هم مشغول به کار هستید. شما در این نمایشگاه علاوه بر نمایشگاه عکس و نقاشی، به سنت‌های ایران هم توجه کرده‌اید. با توجه به این که در اُستانه نوروز هستیم قرار است که آیین چهارشنبه‌سوری و مراسم نوروز نیز برپا شود. چطور به این فکر افتادید که این سنت‌ها را هم وارد این جشنواره کنید؟

شعله مصطفوی:

همان طور که گفتم شناساندن هزار و یک ایران برای ما جالب بود و شانس هم به ما یاری کرد تا جشنواره در زمانی برگزار شود که با نوروز همزمان باشد. در نهایت دیدیم که نمی‌شود بزرگترین و قشنگترین سنت ایران یعنی نوروز و چهارشنبه‌سوری را ندیده بگیریم. دانشجویانی پیدا کردیم که حاضر شدند آیین چهارشنبه‌سوری را برای آلمانی‌ها برگزار کنند.

نمایشگاه عکس آسو خان محمدی

یکی از هنرمندان دعوت‌شده به این جشنواره **آسو خان محمدی**، عکاس جوانی است که در چهارچوب نمایشگاه عکس خود به مسائلی در راستای معنا و مفهوم فردیت و نقش جنسیت در جمهوری اسلامی پرداخته و عکس برخی از کسانی را به نمایش گذاشته است که از طریق عمل جراحی تغییر جنسیت داده‌اند.

نمایشگاه عکس آسو خان محمدی بعدازظهر روز شنبه با شرکت بیش از ۳۰۰ تن از ایرانی‌ها و آلمانی‌ها در کاخ و موزه تاریخی شهر کارلزروده آلمان گشایش یافت.

سودابه محافظ، نویسنده ایرانی ساکن آلمان، که داستان‌هایش به زبان آلمانی انتشار یافته است به این جشنواره دعوت شده و شماری از زنان آلمانی نیز پژوهش‌های خود را در مورد موقعیت و وضعیت زنان در ایران ارائه می‌دهند.

علاوه بر آسو خان محمدی، **نیوشا توکلیان**، دیگر عکاس ۲۷ ساله و سرشناس ایرانی که به جشنواره چشم‌انداز زنان ایران دعوت شده است از طریق عکاسی در روزنامه‌ها پا به عرصه این هنر گذاشته و در نمایشگاه خود به تناقضات اجتماعی و زندگی درونی و بیرونی زنان ایرانی پرداخته است.

مامک آرمگین، پرستو فروهر، افسانه طائبی، فری تبریزی، سیمین کرامتی،

وحیده عبدالوهاب، میریام شهابیان و اولاد کمیک از جمله هنرمندان ایرانی و غیرایرانی هستند که آثار خود را در جشنواره چشم‌انداز زنان در شهر کارلروه به تماشا گذاشته‌اند.

در گستره دو هنر فیلم و تئاتر هم چند فیلم از سمیرا مخملباف و کار نمایشی تازه‌ای از نیلوفر بیضایی نیز ارائه می‌شود.

همچنین دکتر شیوا دولت‌آبادی از ایران درباره «حقوق کودکان و زنان در ایران»، و منیره برادران، فعال اجتماعی، نیز درباره «زندان در جمهوری اسلامی ایران» و سایر پژوهش‌های خود سخن خواهند گفت.

سودابه محافظ، نویسنده ایرانی ساکن آلمان، که داستان‌هایش به زبان آلمانی انتشار یافته است به این جشنواره دعوت شده و شماری از زنان آلمانی نیز پژوهش‌های خود را در مورد موقعیت و وضعیت زنان در ایران ارائه می‌دهند.

در این جشنواره، موسیقی جایگاه ویژه‌ای دارد و گروه موسیقی مهر که متشکل از هفت زن جوان ایرانی است شامگاه روز شنبه برنامه پرشور و حالی برای عموم شرکت‌کنندگان برگزار کردند.

«تهران، شهر عشاق»

.



مغازه‌های تهران در روز عشاق

آیا جمهوری اسلامی ایران به سمت یک انقلاب جنسی پیش می‌رود؟ این عنوان مطلبی است به قلم ژانت آفاری، در وبسایت گاردین، که در آن نگاهی تحلیلی دارد به تغییر شگرف در رویکرد زنان ایرانی به عشق و روابط زناشویی.

ژانت آفاری پژوهشگر تاریخ ایران و استاد دانشگاه میشیگان، نویسنده کتاب‌هایی مانند «زن و جنسیت از نگاه مشروطه» یا «انجمن‌های نیمه سری زنان در نهضت مشروطه» است.

ژانت آفاری در آغاز مطلب خود می‌نویسد که در ماه گذشته میلادی شهر تهران شاهد برگزاری دو جشن بود، یکی مراسم دولتی بزرگداشت سی‌امین سالگرد انقلاب اسلامی و دیگری **جشن والنتاین**، که در ایران به روز عشاق معروف است.

نویسنده مشاهدات خود را از ایام منتهی به روز عشاق چنین بیان می‌کند:

«

با وجود هشدارهای پلیس زوج‌های جوان را دست در دست در سطح شهر و در کافه‌ها می‌توان دید. بسیاری از مغازه‌ها مملو بودند از اجناس ویژه روز عشاق مثل کارت تبریک، شکلات، گل و بادکنک و البته جواهرات. زن و شوهرها در این روز برای ابراز عشق به یکدیگر در روزنامه‌های رسمی آگهی درج کرده و وب‌لاگهای ایرانی پر بود از پیام‌هایی به مناسبت روز والنتاین

با نگاهی به این پیام‌ها می‌شد دید که روز عشاق برای ایرانیان صرفاً مناسبتی برای ابراز عشق شخصی نیست، بلکه موعد و بهانه‌ای است برای ابراز احساسات و دیدگاه‌هایی نظیر

»."بگذار عشق بورزیم و جنگ به پا نکنیم

ژانت آفاری در ادامه مطلب خود در گاردین می‌نویسد که از نگاه حکومت ایران روز سنت والنتاین یا روز عشاق، نمادی از تهاجم فرهنگی غرب است. حکومت ایران نیز برای مقابله با گسترش آن در میان نسل جوان، بدیل‌هایی نظیر جشن روز ازدواج امام اول شیعیان با دختر پیامبر اسلام را تبلیغ می‌کند

حکومت ایران در سال‌های اخیر با ترویج نمونه پر طرفدارتری می‌کوشد روز

۳۰

«بهمن را که در تقویم قبل از اسلام روز

سپندار مزگان»

نام داشت به عنوان روز

«عشق و دوستی»

ترویج کند

نویسنده تاکید می‌کند که حتی این مناسبت‌های کم‌طرفدارتر (در مقایسه با روز والنتاین) نیز از سوی زوج‌های جوان ایرانی با اشتیاق جشن گرفته می‌شود و باز هم نمادهایی که از آن‌ها استفاده می‌شود شباهت آشکاری با سمبل‌های روز سنت «والنتاین دارند



ژانت آفاری: «محبوبیت وسیع روز سنت والنتاین ریشه در تغییرات بنیادی در مناسبات جنسیتی در جامعه ایران دارد. ایران شاهد پیشرفت یک نوع انقلاب جنسی است و جالب اینکه برخی از عوامل آن در سیاست‌های جمهوری اسلامی «در سه دهه گذشته ریشه دارند

ژانت آفاری می‌افزاید: «محبوبیت وسیع روز سنت و التئاین ریشه در تغییرات بنیادی در مناسبات جنسیتی در جامعه ایران دارد

ایران شاهد پیشرفت یک نوع انقلاب جنسی است و جالب اینکه برخی از عوامل .
«این انقلاب، در سیاست‌های جمهوری اسلامی در سه دهه گذشته ریشه دارد

نویسنده ضمن مروری بر سیاست‌های مذهبی حکومت ایران در سال‌های آغازین پس از انقلاب، می‌نویسد که پس از وقوع انقلاب اسلامی، حقوق اجتماعی و مدنی زنان ایران به طور نسبتاً گسترده‌ای محدود شد؛ از جمله در زمینه طلاق وراثت و حتی اشتغال. از سوی دیگر سیاست‌های حکومت ایران مبتنی بر تشویق دختران جوان و زنان خانوارهای روستایی و اقشار سنت‌گرا به پیوستن به نهادهای برخاسته از نظام سیاسی جدید بود، که باعث شد گروه کثیری از زنان بخش سنتی و روستایی ایران که معمولاً در چارچوب خانه و مناسبات سنتی گرفتار بودند راهی به سوی فعالیت و حضور اجتماعی پیدا کنند

ژانت آفاری در مطلب خود در گاردین می‌نویسد: «دختران و زنان جوانی که از این طریق به عرصه‌های فعال اجتماعی و اقتصادی ایران اسلامی پیوستند، به مرور طالب حقوق اجتماعی و خانوادگی بیشتری شدند

ارتقاء سطح آموزش، کاهش میزان مرگ کودکان و آگاهی بیشتر از بیماری‌های زنانه باعث بهبود موقعیت نسل جوان زنان، اقشار سنتی و روستایی شد. در عین حال جمهوری اسلامی ایران که در سال‌های اول، زاد و ولد بیشتر را تشویق می‌کرد در پایان جنگ هشت ساله با عراق به سمت کنترل جمعیت روی آورد و «به مرور نرخ رشد جمعیت را، در سال ۲۰۰۰ به حدود ۲ درصد رساند



ژانت آفاری: «ازدواج‌های سخت‌گیرانه و پدرسالانه گذشته به مرور جای خود را به پیوندهایی می‌دهند که در آن دختران در جست‌وجوی عشق و رابطه‌ای صمیمانه در پیوند زناشویی خود هستند»

نویسنده با تکیه بر این تحولات نتیجه می‌گیرد که افزایش سن ازدواج دختران در – خانواده‌های روستایی و سنتی

که اکنون میانگین سنی آن‌ها حدود ۲۴ سال است – و از سوی دیگر افزایش آگاهی اجتماعی، سبب شد تا مسئله ازدواج دچار تحولی جدی شود

ازدواج‌های سخت‌گیرانه و پدرسالانه گذشته به مرور جای خود را به پیوندهایی می‌دهند که در آن دختران در جست‌وجوی عشق و رابطه‌ای صمیمانه در پیوند زناشویی خود هستند. و البته دسترسی بیشتر این نسل به فیلم‌های ایرانی و محصولات رسانه‌های غربی که در آن مناسبات عاشقانه به عنوان پایه اصلی ازدواج تشویق می‌شود، در تغییر فرهنگ زناشویی بخش سنتی جامعه ایران موثر بوده است.

ژانت آفاری در پایین مطلب خود می‌نویسد: «در غرب نظام کنترل جمعیت باعث شد که پدیده ازدواج به جای معاهده‌ای برای تولید مثل به پیوندی عاشقانه و رابطه‌ای صمیمانه بدل شود و در گام‌های بعدی توجه بیشتر به عشق و تعادل رابطه جنسی بین افراد مزدوج باعث شد که جامعه به مرور روابط عشقی و جنسی قبل از ازدواج را نیز بپذیرد و حتی گامهایی هم در مسیر به رسمیت شناختن روابط همجنس‌گرایانه بردارد. این گام‌ها هنوز در جامعه ایران برداشته نشده است. اما با در نظر داشت علاقه ای که جوانان ایرانی از طبقه متوسط شهر نشین به "روز عشاق" نشان می‌دهند، چنین تحولاتی در جامعه ایران چندان هم دور از دسترس نیست»

زنانه‌نویسی و زنانه‌تر شدن ادبیات

.

فرزانه طاهری

با اینکه ادبیات همواره زیر سیطره نام‌های مردانه قرار داشته اما زنان در این سال‌ها، آثار فراوانی در قلمرو ادبیات تولید کرده‌اند

از این میان می‌توانیم نام‌هایی چون زهرا خانلری، سیمین دانشور، مهشید امیرشاهی، فریده گلبو، گلی ترقی، طاهره صفارزاده، شهرنوش پارس‌پور، غزاله علیزاده، منیرو روانی‌پور، زویا پیرزاد، فریبا وفی و ده‌ها نام دیگر را در عرصه قصه‌نویسی زنان ایرانی به یاد بیاوریم.

اگرچه به گفته ناتالی ساروت، تقسیم ادبیات به ادبیات مردانه و ادبیات زنانه، شاید خیلی موجه نباشد اما دیدگاه‌هایی هم هستند که معتقدند به هر حال جنسیت نویسنده در خلق جهان ویژه او مؤثر است.

در این مورد با **فرزانه طاهری**، نویسنده، مترجم و از اعضای مؤسس بنیاد «هوشنگ گلشیری» همراه می‌شویم و اول از همه از او می‌پرسیم که آیا می‌توانیم سیمین دانشور را به عنوان اولین زنی بدانیم که شیوه و سبک ادبیات مدرن را در میان زنان ایران در آثارش خلق کرد؟

فرزانه طاهری:

شاید بشود گفت در حوزه داستان مدرن کوتاه، بله. با ایشان شروع می‌شود اگر چه مجموعه اولشان در ادامه همان سبک رمانتیسیم قبل از آن قرار دارد.

پس از ایشان تا کنون زنان زیادی در حوزه ادبیات داستانی کار کردند. در این فاصله موقعیت زنان در ادبیات، چگونه ترسیم می‌کنید؟

در یک مقایسه با دوران پیش از انقلاب، تعداد زنان داستان‌نویس در ایران، چندین برابر افزایش داشته است. اما شاید زیاد نتوانیم مقایسه کیفی انجام دهیم. برای اینکه پیش از انقلاب نویسندگان بسیار خوبی داشتیم اما بعد از انقلاب تعداد صداها خیلی بیشتر بوده است که البته این افزایش تعداد صداها شاید به عوامل اجتماعی برمی‌گردد که خود انقلاب باعث شد که زنان به صحنه‌های اجتماعی متمایل شوند و یا شاید بخشی از این تمایل به محدودیت‌هایی برمی‌گردد که باعث شد کار نوشتن تشویق شود.

اگرچه پیش از انقلاب می‌توانستیم فرض کنیم که داستان برخی از زنان داستان‌نویس را یک مرد نوشته است اما امروز صداها زنانه‌تر شده و می‌توانیم

زنانه‌نویسی را در آثار زنان بعد از انقلاب ببینیم

اگر بخواهیم ادبیات زنانه را بپذیریم شما مختصات این نوع ادبیات را چگونه دسته‌بندی می‌کنید؟

بخش مهمی از ویژگی ادبیات زنانه، توجه به جزئیات است. بخش دیگری هم شکل زبان است، کاربرد کلمات خاص، مضامین و مفاهیم خاص و مسئله تقابل با شکل‌های گوناگون مظاهر مردسالاری حاکم و یا حتی شاید نوعی سازش زنانه که در برخی از داستان‌ها شاهد آن هستیم. هم اکنون بخشی از ادبیات دنیا کاملاً بیانگر روح زنان است یعنی به طور مشخص می‌توان از خلال آن به روانشناسی زنانه دست پیدا کرد و جهان زنانه را تحلیل کرد.

نویسندگان زن ایرانی چقدر در خلق این جهان زنانه موفق بوده‌اند؟

ادبیات زنانه می‌تواند مشخصاً فمینیستی نباشد. به این معنا که به این قصد نگاشته نشده باشد. بر اثر یک ضرورت درونی یا بیرونی نوشته شده باشد اما نتیجه آن شناساندن شعور زنانه یا حساسیت‌های زنانه باشد. از نظر من قطعاً این جای خالی امروز پر شده است برای اینکه در ادبیات مردانه، شما شاهد اهداف عجیب و دست نیافتنی هستید اما در جهان زنانه، شما شاهد ریزبینی و جزئی‌نگری خاص زنان هستید.

باز هم تأکید می‌کنم شاید آثار امروزی در قالب فمینیسم نوشته نشده باشد اما نهایتاً به این هدف می‌رسد و موفق هم بوده است.

وضعیت ادبیات داستانی به گونه‌ای است که اگر بخواهیم از کسانی نام ببریم که دارای آثار پرفروش بوده‌اند معمولاً نام یک زن را می‌توان در آن آثار دید یا

حداقل چند نفر اول این سطر را می‌توان در میان زنان جستجو کرد. برخی بر این اعتقادند که موقعیت زنان نویسنده به این دلیل ایجاد شده است که آنها توانسته‌اند زبان ادبیات امروز را از آن زبان فاخر جدا کنند و به یک زبان ساده روی آورده‌اند. برخی نیز معتقدند این دگرگونی در ادبیات امروز ایران بوده است که زنان توانسته‌اند ظرافت ایجاد ارتباط با مخاطب را کشف کنند، شما این قضیه را چگونه می‌بینید؟

این آثار پرفروش به نیازهای دیگری پاسخ می‌دهد. یعنی نویسندگان این آثار که عمدتاً زنان هستند به خاطر رعایت اصل ارتباط نیست که این طور می‌نویسند. بلکه آنها فقط می‌توانند همین جور بنویسند و آنهایی هم که این آثار را می‌خرند و می‌خوانند. دشوارتر از این نمی‌توانند بخوانند. این کتاب‌ها نیاز به تعمق بسیار ندارند و می‌شود بر سطح آن لغزید.

این مسئله چقدر با جنسیت زنانه ارتباط دارد؟

من واقعاً نمی‌دانم، شاید پیدا کردن چهره خود در این رمان‌ها، دیدن آرزوهایی که تحقق نیافته‌اند و این یافتن خودش لذت‌بخش است.

بعد از انتشار کتاب خانم فتانه حاج‌سیدجوادی که آغازگر این نوع ادبیات عامه‌پسند بود، اسم‌های دیگری هم به این حوزه افزوده شد که آنها این نوع از ادبیات را به عمق هدایت کردند و کماکان پرفروش ماندند مثل خانم فریبا وفی یا زویا پیرزاد، این نوع ادبیات چقدر از دنیای زنانه بهره برده است؟

من البته بین خانم حاج‌سیدجوادی و خانم زویا پیرزاد تفاوت‌های بسیاری می‌بینم. خانم حاج‌سیدجوادی بر مرز ادبیات پرفروش و ادبیات جدی ایستاده است در حالی که خانم پیرزاد کاملاً در حوزه ادبیات جدی است. ظرافت و فن نوشتن را در

کارشان می‌توانیم ببینیم او هوشمندانه می‌نویسد.

بخشی که کار خانم حاج سید جوادی را شگفت‌آور کرد این بود که برخی از روشنفکران آن دوره هم به دفاع از این اثر پرداختند و پیام ارتجاعی این کتاب به مذاق بسیاری خوش آمد که همان تحقیر طبقه پایین و ستایش طبقه اشراف بود، در واقع نوعی دهن‌کجی به ارزش‌هایی بود که در جامعه کهنه شده بود. روشنفکران هم مرعوب تیراژ بالای این کتاب شدند.

اما من خانم پیرزاد را در این حوزه نمی‌بینم. او ادبیات تولید می‌کند اما اقبال پرفروش بودن را هم داشته است.

شما آینده ادبیات زنانه را در ایران چگونه ترسیم می‌کنید؟

اکنون بازار کتاب سرشار از کتاب‌های پرفروش اما مبتذل است. آنقدر قید و بندهای ادبیات جدی پیچیده‌اند که من واقعاً نگران آینده هستم. زنان همیشه درگیر نوعی خودسانسوری تاریخی بوده‌اند. بخصوص وقتی که می‌نویسند و قرار است که درونشان را افشا کنند. این خودسانسوری قوی است و با سانسور بیرونی نهادینه می‌شود. سال‌ها طول می‌کشد که زنان در زمان نوشتن احساس آزادی کنند.

من نگران کل ادبیاتم، اینجا دیگر تقسیم‌بندی ادبیات زنانه و مردانه معنایی ندارد.